

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
همکار سر دبیر: بهمن خانی
E-mail: khani@live.nl

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲ آبان ۱۳۸۶، ۲۴ اکتبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیان abdolgolparian@yahoo.com

تهدید ترکیه علیه مردم کردستان عراق را محکوم میکنیم

در ترکیه همراه با احزاب ملی و ناسیونالیست این کشور در پارلمانشان تصویب کردند ارتش این کشور به بهانه حمله به پ.ک.ک مجاز است به کردستان عراق لشکر کشی کند. ما هر نوع لشکر کشی و جنگ دولت اسلامگرای ترکیه علیه مردم کردستان عراق و مخالفین سیاسی اش را محکوم میکنیم. مردم کردستان ترکیه همانند دیگر بخشهای مردم کرد نشین سالهای سال است که قربانی دریافت کرد. حزب اسلامی حاکم



محمد آسگران

دولت ترکیه اخیراً در پارلمان خود مجوز حمله نظامی و لشکرکشی به کردستان عراق را دریافت کرد. حزب اسلامی حاکم

پیام تبریک حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به مینا احدی سکولاریست سال ۲۰۰۷

انتخاب برای تو، برای رفیق مریم نمازی که دو سال قبل بعنوان سکولار سال انتخاب شد و برای کلیه رفقانی که در این کمپینها و نهادها علیه اسلام سیاسی و علیه دخالت مذهب در دولت و در زندگی اجتماعی انسانها فعالیت میکنند یک دستاورد ارزشمند و یک گام دیگر بجلو است. این موفقیت را به همه شما عزیزان تبریک میگویم و دستتان را به گرمی میفشارم. با امید پیشرویها و موفقیتهای بیشتر در مبارزه علیه مذهب در ایران و در سراسر جهان.

حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲۲ اکتبر ۲۰۰۷



که فعالیتهای خستگی ناپذیر تو علیه اسلام سیاسی، در مقام مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته علیه سنگسار و کمپین اکس مسلم، در میان آزادیخواهان و سکولاریستهای دنیا یافته است. این

مینا عزیز
انتخاب تو بعنوان سکولاریست سال از جانب جامعه سکولار انگلیس را صمیمانه تبریک میگویم. این انتخابی کاملاً بجا و شایسته و نشاندهنده اهمیت و جایگاهی است

دانشجویان پلی تکنیک با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر دیکتاتور و سوسیالیسم یا بربریت به مقابله با تعرض حکومت اسلامی برخاستند

صفحه ۲



فرخوان حزب کمونیست کارگری: علیه ترور یک فعال کارگری در سندج قاطعانه بایستیم!

صفحه ۴

اعدامها و آدمها



ناصر اصغری

صفحه ۴

مینا احدی به عنوان سکولار سال برگزیده شد

صفحه ۳

اخبار شهرهای کردستان

صفحه ۳

پیام تبریک شورای مرکزی سازمان ایکس مسلم اسکاندیناوی به مینا احدی سکولاریست سال ۲۰۰۷

صفحه ۳

از میان نامه ها و سئوالات

صفحه ۵

پیام اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

تهدید ترکیه علیه مردم کردستان . . .

عثمانی که اخیراً آمریکا آنرا به عنوان فشاری به دولت ترکیه به جلو صحنه رانده است، همگی فاکتورها و تحولاتی هستند که همگرایی دولتهای ایران، ترکیه و سوریه را بیش از پیش به حرکت در آورده است.

بنا بر این سیاست اخیر، دولت ترکیه را در متن تحولات عمومی تری باید دید. دولت اسلامگرای ترکیه در متن این اوضاع سیاسی فرصتی یافته است که به همپیمان دیرینه خود یعنی آمریکا فشار بیاورد دست از کمکهای مالی و تسلیحاتی به پ.ک.ک بردارد، طرح قتل عام ازمینها در دوران عثمانی را مثل قبل مسکوت بگذارد و مهمتر از همه با این سیاستها پیام همسنوشتی خود را به جریانان اسلامی میدهد. دولت ترکیه بر خلاف تاریخ قبلی که همیشه با سیاستهای دولت آمریکا هماهنگ بوده است اکنون گرایش به سمت جنبش اسلامی را امتحان میکند. در عین حال اوضاع بهم ریخته عراق فرصتی ایجاد کرده است که دولت ترکیه به اپوزیسیون خود و حاکمان کردستان عراق فشار بیاورد و احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق را وادار کند پ.ک.ک را از خود دور کنند. این فشار دو جانبه به آمریکا و حاکمان کردستان عراق است.

اما با این وجود جنگ حاضر و رقابتهای این دولتها تا کنون به ضرر مردم و باعث توپ باران و نا امن کردن زندگی مردم در کردستان عراق تمام شده است. ما ضمن محکوم کردن تهدیدات دولت ترکیه برای لشکر کشی به کردستان عراق، این تحرکات و تحولات سیاسی را در چهار چوب سیاستهای نظم نوینی ارزیابی میکنیم و همه مردم آزادیخواه و برابری طلب را به مقابله و افشای این سیاستهای ضد انسانی دولتهای منطقه و احزاب حاکم در کردستان عراق فرا میخوانیم. ما همچنین هشدار میدهیم نباید اعتراض بر حق مردم علیه لشکرکشی ترکیه باعث توهم به حاکمان ناسیونالیست کرد در کردستان عراق بشود. زیرا این احزاب بیش از هر جریان دیگری در این منطقه عامل گسترش سیاستهای نظم نوینی آمریکا و تحمیل فقر و فلاکت به مردم هستند. لشکر کشی آمریکا و اشغال عراق یکی از پیامدهایش این تهدیدات ترکیه و توپ باران جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان است.

* * *

رقابتهای و جنگهای قومی و ملی احزاب ناسیونالیست کرد و دولتهای سرکوبگر حاکم در ترکیه هستند.

جنگ نیروهای ناسیونالیست پ.ک.ک و دولت سرکوبگر ترکیه از اواسط دهه ۸۰ میلادی تا کنون در جریان بوده است. شبهه نظامیان پ.ک.ک هم در تمام این سالها در مرزهای عراق و ترکیه و ایران و سوریه مستقر بوده اند و در مناطق کرد نشین این کشورها و حتی در بغداد هم مقراتی داشته اند. ارتش ترکیه به بهانه جنگ با نیروهای پارتیزان پ.ک.ک سالهای گذشته بارها به مناطق کرد نشین عراق وارد شده و روستاهای این منطقه را به توپ بسته است. اما دولت ترکیه هیچ وقت به صرافت چنین تصمیمی نیاقتاده بود. این اولین بار است که دولت ترکیه قانوناً تصمیم گرفته است که به مناطق کرد نشین کشور عراق حمله کند.

این تصمیم ترکیه در شرایط خاصی رسمیت قانونی پیدا کرده است که معادلات منطقه خاور میانه دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. تنها فاکتور جنگ با پ.ک.ک نمیتواند سیاستهای اخیر دولت ترکیه را توضیح دهد. هنگامیکه اکثریت قوای اجرایی و قانونگذاری دولت ترکیه به دست جریانان اسلامگرا افتاد، همکاری و نزدیکی ترکیه با جمهوری اسلامی و سوریه بیش از پیش تقویت گردید.

این سیاستهای دولت ترکیه در شرایطی مطرح میشود که در ماههای گذشته جمهوری اسلامی هم بارها مناطق کرد نشین در کردستان عراق را به بهانه حضور جریان شبهه نظامی پژاک توپ باران کرده بود. همچنین سوریه با توجه به روابط نزدیکش با ایران و ترکیه از این تصمیم ترکیه حمایت کرده است. بنا بر این اقدامات هماهنگ سه کشور ایران، ترکیه و سوریه بیش از آنکه به پ.ک.ک ربط داشته باشد قدرت نمایی و امتیاز طلبی آنها در مقابل آمریکا را نشان میدهد.

همگرایی این سه کشور را باید در چهار چوب سیاستهای نظم نوینی و تحولات منطقه توضیح داد. شکست آمریکا در عراق و گسترش تروریسم اسلامی در این کشور بعلاوه بحران اتمی جمهوری اسلامی و تشدید اختلافات دولت آمریکا و جمهوری اسلامی و احتمال جنگ آنها باهم، دولتهای ترکیه، ایران و سوریه را به هم نزدیکتر کرده است.

در این میان کمکهای مالی و تسلیحاتی آمریکا به پژاک که شاخه ایرانی پ.ک.ک محسوب میشود به دامنه این بحران افزوده است. بعلاوه در دستور قرار گرفتن قتل عام ازمینها به دست دولت

دانشجویان پلی تکنیک با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر دیکتاتور و سوسیالیسم یا بر بریت به مقابله با تعرض حکومت اسلامی برخاستند



دانشجویان از دانشگاه های دیگر به قصد پیوستن به جمع معترضین در بیرون پلی تکنیک حضور داشتند که با مانع نیروهای انتظامی برای ورود به دانشگاه مواجه بودند. دانشجویان داخل پلی تکنیک و دانشجویان بیرون برای شکستن درب دانشگاه توانستند صفوف نیروهای حراست و انتظامات و صفوف نیروهای انتظامی بیرون دانشگاه را بشکنند و به در ورودی دانشگاه حمله کنند که با حمله گارد ضد شورش مواجه شدند و موفق به شکستن درب نشدند.

بنا به گزارش ویلاگ آوای دانشگاه، در تجمع دوشنبه دانشجویان پلاکاردهایی با شعارهای:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "جنگ نه"، "دانشجو، کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "محمود صالحی و منصور اسالو آزاد باید گردند"، "هر گونه دخالت خارجی محکوم است"، "پیش به سوی تشکل مستقل دانشجویی"، "نان صلح آزادی" و در کنار آن ها چندین پلاکاردهای سرخ دیگر با شعارهای: "مرگ بر دیکتاتور" و "سوسیالیسم یا بر بریت" حمل میکردند.

سازمان جوانان کمونیست از دانشجویان سراسر کشور می خواهد با پیوستن به این اعتراضات صفوف مبارزه و تعرض به سیاست های سرکوب جمهوری اسلامی را قدرتمند تر کنند و به دفاع از مطالبات بحق دانشجویان پلی تکنیک و سایر مطالبات دانشجویی و نیز مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران برخیزند.

زنده یاد مبارزات دانشجویان مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی
سازمان جوانان کمونیست
۳۰ مهر ۸۶، ۲۲ اکتبر ۲۰۰۷

روز دوشنبه ۳۰ مهر دانشگاه پلی تکنیک صحنه اعتراض پرشور دانشجویان علیه سیاست زندان و شکنجه و سرکوب حکومت اسلامی بود. دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک به همراه تعدادی از دانشجویان سایر دانشگاه ها که تعدادشان به بیش از ۵۰۰ نفر می رسید امروز در دانشگاه پلی تکنیک و اطراف آن دست به تجمع اعتراضی زدند و بار دیگر علیه سیاست های سرکوبگرانه حکومت شعار دادند و با پلاکاردهائی مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران را برافراشتند.

تجمع که از ساعات اولیه ادو شنبه شروع شده بود حوالی ظهر با ازدیاد جمعیت دانشجویان با بالا بردن عکس دانشجویان زندانی بعلاوه پلاکاردهایی با شعار های "دانشجویان زندانی را آزاد کنید"، "احمدی نژاد! یاران دبستانی ما را آزاد کن" ادامه یافت.

در ادامه تظاهرات دانشجویان از دانشگاه های مختلف به خواندن بیانییه هایی از دانشگاه های تهران، شریف، خواجه نصیر و فعالان و دانشجویان چپ دانشگاه های تهران پرداختند. در

ادامه یکی از دانشجویان پلی تکنیک "بیانییه دانشجویان سوسیالیست" را قرائت کرد که با استقبال دانشجویان مواجه گردید. در ادامه این تظاهرات دانشجویان خواهان برچیده شدن بسیج دانشجویی از محیط دانشگاه شدند. در تظاهرات پلاکاردهای سرخ "سوسیالیسم یا بر بریت"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "اتحاد مبارزه پیروزی"، "جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری و جنبش زنان"، و همچنین شعار "پیش به سوی تشکل مستقل دانشجویی" برافراشته شد و در ادامه تجمع شعار "مرگ بر دیکتاتور" سر داده شد.

www.wpiran.org
www.rowzane.com

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

مینا احدی به عنوان سکولار سال برگزیده شد



روز شنبه ۳۰ اکتبر ۲۰۰۷ در شهر لندن، طی مراسم با شکوهی مینا احدی بعنوان سکولار سال برگزیده شد.

جامعه سکولار انگلیس هر ساله از میان شخصیت‌های جهانی یک نفر را به عنوان سکولار سال انتخاب می‌کند. امسال هم طبق روال هر ساله از میان شخصیت‌های جهانی و سکولار ابتدا ۱۰ نفر را کاندید سکولار سال کرده و از میان آنها ۵ نفر انتخاب شدند. از میان این ۵ نفر روز شنبه ۲۰ اکتبر مینا احدی به عنوان سکولار سال برگزیده شد. دو سال قبل مریم نمازی از طرف این نهاد به عنوان سکولار سال برگزیده شد بود.

در مراسم امسال روز شنبه ۲۰ اکتبر ابتدا "کیت پارت شیووزود" مسول جامعه سکولارهای انگلیس به حاضرین خوشامد گفت و بعد از اجرای چند آهنگ از طرف یکی از هنرمندان و اجرای چند برنامه تفریحی، جایزه سکولار سال از طرف نویسنده سر شناس انگلیس جان اسمیت John Smith به مینا احدی تقدیم شد.

در اطلاعیه رسمی جامعه سکولار در این مورد آمده است: مینا احدی سال‌های سال است در دفاع از حقوق انسانی مبارزه می‌کند. تشکیل کمیته علیه سنگسار در سال ۲۰۰۱ و همچنین

دریافت کنند و در جلوی این صف پرافتخار مینا احدی قرار دارد. "داو کینز مینا احدی را رهبر یک جنبش مترقی و انسانی و مدافع حقوق زنان نامیده و برگزیده شدن او را بعنوان سکولار سال تبریک گفته است. او همچنین دفاع کامل خود از فعالیتهای سازمان اکس مسلم را در این پیام اعلام کرده است.

مینا احدی در مراسم دریافت این جایزه طی سخنان کوتاهی از جامعه سکولار انگلیس تشکر کرد و اعلام کرد که سکولاریسم در اروپا در خطر است. او گفت در کشورهای اروپایی کلیسا و مذهب کماکان در دولت و آموزش و پرورش دخالت می‌کنند. جنبش سیاه اسلام سیاسی هم وارد میدان شده و در مقدرات و زندگی مردم فراری از کشورهای اسلام زده دخالت می‌کنند.

مینا احدی گفت مذهب باید از دولت و آموزش و پرورش جدا شود. همه مذاهب و بطریق اولی اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش تروریستی و ضد انسانی نباید در زندگی مردم دخالتی داشته باشند. مینا احدی در پایان از ضرورت همکاری و فعالیت‌های گسترده سکولارها در دنیا در دفاع از سکولاریسم صحبت کرد. این سخنان با تشویق پرشور حاضرین روبرو شد و بعد از پایان مراسم بسیاری از حاضرین مینا احدی را در آغوش گرفته و برای او و فعالیت‌هایش آرزوی موفقیت کردند.

انتخاب مینا احدی بعنوان سکولار سال یک موفقیت مهم برای فعالین ضد مذهب و سازمانهای اکس مسلم محسوب می‌شود.

سازمان اکس مسلم - آلمان
۱۲ اکتبر ۲۰۰۷
<http://www.ex-muslime.de>
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

اخبار شهرهای کردستان

ساله در این شهر جنازه مثله شده اش پیدا شد و مردم اشنویه در شك عمیقی بسر می‌برند.

اقدام به ترور یک فعال کارگری در سنندج

طبق اخبار رسیده روز ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷ صبح ساعت ۹، مجید حمیدی از فعالین کارگری سنندج و عضو کمیته دفاع از محمود صالحی در خیابان مورد هجوم افراد مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفت. مهاجمان که سه موتور سوار بوده و چهره خود را با نقاب پوشانده بودند. هفت گلوله بطرف این فعال کارگری شلیک کردند. حال مجید حمیدی بسیار وخیم گزارش است و قرار است از بیمارستان سنندج به بیمارستانی در تهران منتقل گردد.

پاوه:

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است یک کودک به اسم "ماکوان مولودزاده" متهم شده است که در سن ۱۳ سالگی با پسر دیگری از همکلاسی‌هایش رابطه جنسی داشته است. ماکوان در سن ۱۸ سالگی به این اتهام در زندان دیزل آباد کرمانشاه زندانی می‌شود. در سن ۲۰ سالگی ماکوان از طرف دادگاه جزایی کرمانشاه به اعدام محکوم شده است. ۴ ماه قبل این حکم به او ابلاغ شده است. وکیل ماکوان به این حکم اعتراض کرده و خواستار تجدید نظر شده است. با وجود اینکه شاکی شکایتش را پس گرفته است از طرف دیوان عالی کشور حکم اعدام دوباره تایید شده و هر آن احتمال اجرای حکم ماکوان ممکن است اجرا شود.

اشنویه:

طبق اخبار رسیده روز ۱۷ اکتبر ۲۰۰۷ در باغهای حاشیه شهر اشنویه ۴ جنازه پیدا شده است. کشته‌شدگان همگی مرد هستند و هنوز معلوم نیست دلیل کشته شدن آنها چه بوده است. در شهر شایع شده است که پژاک آنها را به جرم معتاد بودن کشته است. چند روز قبل یک کودک ۶

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اکتبر ۲۰۰۷

پیام تبریک شورای مرکزی

سازمان ایکس مسلم اسکاندیناوی به مینا احدی سکولار لیست سال ۲۰۰۷

زندگی مردم و ارتجاع اسلامی و حامیان بین المللی آن صورت گرفته است، باعث خوشحالی همه مبارزین، برای یک دنیای بهتر است.

این انتخاب، مایه مباهات همه مبارزین راه آزادی و بویژه، ما اعضای سازمان ایکس مسلم در اسکاندیناوی است.

شورای مرکزی
سازمان ایکس مسلم اسکاندیناوی
۲۳ سپتامبر ۲۰۰۷

این انتخاب که در پی تلاشهای خستگی ناپذیر تو در دفاع از حقوق انسانی و دفاع از ارزش های سکولار در برابر دخالت مذهب در

فراخوان حزب کمونیست کارگری: علیه ترور یک فعال کارگری در سنندج قاطعانه بایستیم!

روز پنجشنبه ۲۶ مهر ماه مجید حمیدی یکی از فعالین کارگری در شهر سنندج مورد سوء قصد عوامل نقاب پوش جمهوری اسلامی قرار گرفت و به شدت مجروح شد و اکنون در بیمارستان امیر اعلم تهران بستری است. (مشروح خبر این ترور به نقل از "کمیته دفاع از محمود صالحی" که مجید حمیدی عضو آن است در زیر آمده است.)

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که با تمام قوا علیه این سوء قصد می ایستد و امکانات خود را در داخل و خارج کشور بسیج میکند تا اعتراضی هرچه قدرتمندتر علیه این جنایت رژیم اسلامی برپا گردد. حزب تمام کارگران، تمام زنان و مردان آزادیخواه را به اعتراض قاطع علیه این جنایت فرا میخواند.

بکارگیری تروریست های نقاب پوش علیه کارگران را باید در ادامه تلاشهای شکست خورده و از سر استیصال رژیم اسلامی برای مرعوب کردن جامعه و بویژه طبقه کارگری است که در پیشاپیش مردم ایران پیاخته است و حکم به رفتن این رژیم داده است. موج وسیع اعدام و سنگسار توسط جمهوری اسلامی، موج حمله به زنان به بهانه حجاب، تعرض به فعالین کارگری، معلمان و دانشجویی، صدور احکام شلاق برای کارگران و شکنجه و حبس کردن دانشجویان پلی تکنیک و غیره هیچکدام نتوانسته است موقعیت رژیم اسلامی را در برابر مردم به جان آمده بهبود ببخشد. برعکس، این

اقدامات به اعتراض وسیع بین المللی و گسترش حمایت جهانی از مردم ایران منجر شده است. تظاهرات ۹ اوت امسال که برای دفاع از محمود صالحی و منصور اسانلو در دهها شهر جهان برگزار گردید، اعتراضات گسترده در ۷ سپتامبر و ۱۰ اکتبر و رسوا شدن جمهوری اسلامی به خاطر اعدام ها و جنایات بیشمارش جوابی است که رژیم در سطح جهانی دریافت کرده است. در داخل کشور پاسخ مردم به موج اخیر سرکوب و جنایت حتی قاطعانه تر بوده است. هو کردن مجدد احمدی نژاد در ۱۶ مهر در دانشگاه، مارش پر قدرت کارگران هفته تپه برای گرفتن حقوق خود، اجتماعات و تظاهرات وسیع در دفاع از حقوق کودک که بویژه بزرگترین اجتماع آن در سنندج بود، اعلام این حقیقت مسلم است که رژیم علیرغم وحشیگری هایش با موج رویه گسترش اعتراضات مردم علیه خود روبرو است. اعتراضاتی که دمبدم چپ ترو رادیکالتر و سازمانیافته تر میشود و مهر طبقه کارگر را بر خود دارد. رژیم اسلامی فی الحال این نبرد را در وجه سیاسی آن باخته است و تنها راه بقاء خود را در ابداع اشکال نوین و وحشیانه تر سرکوب و ارباب جامعه جستجو میکند.

ترور یک فعال کارگری شهر سنندج، در این متن مبارزه کارگران و مردم برای رهایی از شر رژیم اسلامی باید قرار داده شود. و در همین متن مقابله قاطع با آن اهمیت

نیروهای سیاسی آزادیخواه را فرا میخواند تا فعالانه به ترور روز گذشته (پنجشنبه) در سنندج اعتراض کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اکتبر ۲۰۰۷، ۲۷ مهر ۱۳۸۶

ضمیمه، متن اطلاعیه "کمیته دفاع از محمود صالحی"

سوقصد به جان مجید حمیدی از فعالین کارگری در کردستان

روز پنجشنبه مورخ ۲۶/۷/۱۳۶۸ ساعت ۹ صبح مجید حمیدی فعال کارگری و از اعضا "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" و "کمیته دفاع از محمود صالحی" مورد سوء قصد قرار گرفت.

ماجرای این قرار است که سه نفر لباس شخصی که دو نفر از آنها سوار بر یک موتور سیکلت بوده و هر سه نفر صورت خودشان را با جوراب نازک پوشانده بودند، مجید حمیدی را در نزدیکی خانه خودش در حال رفتن به سر کار صدا میزنند. به محض اینکه مجید حمیدی سرش را به طرف آنها برمیگرداند، وی را مورد تیراندازی قرار میدهند. مجید حمیدی هم برای نجات جان خود فرار میکند که در حین دور شدن از واقعه، هفت گلوله به او اصابت میکند که بیشتر گلولهها به بازوی راستش برخورد کرده است.

گفتنی است که شخصی که مجید حمیدی را صدا زده است، لهجه کردی- لری داشته است. مردم بعد از شنیدن صدای تیر اندازی در محل حاضر میشوند و

عملی زیادی دارد. باید به جمهوری اسلامی نشان داد که بکارگیری این حربه نیز تنها موج وسیعتری از اعتراض را دامن می زند. همه زنان و مردان آزاده در همه جا و بویژه در سنندج باید به این جنایت اعتراض کنند، جمهوری اسلامی را محکوم کنند و خانواده مجید حمیدی را در آغوش حمایت و همبستگی فعال خود بگیرند. جوانان و بویژه دانشجویان در سراسر کشور باید به ترور مجید حمیدی اعتراض کنند و مصرانه خواهان دستگیری و مجازات عاملان این جنایت شوند. باید به عیادت او در بیمارستان امیر اعلم تهران رفت و فعالانه نشان داد که این ترور با موج وسیع اعتراض پاسخ میگیرد. کارگران سراسر کشور باید با صدور اطلاعیه ها و بیانیه ها و برپایی مجامع عمومی خود ترور مجید حمیدی را محکوم کنند و خواهان آزادی فوری محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی شوند. جمهوری اسلامی باید ببیند که ترور یک فعال سیاسی و کارگری نه رعب و وحشت که موج وسیعتری از اعتراض و تعرض را دامن میزند. این تنها راه مقابله با ترور این حربه کثیف رژیم اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ضمن آرزوی بهبودی برای مجید حمیدی و اظهار همدردی با خانواده و دوستان او، در جهت برپایی اعتراض هرچه وسیع تر علیه این ترور و علیه جمهوری اسلامی میکوشد. حزب همه مردم آزاده و تشکل های کارگری و مترقی در جهان، و همه

دلم سرازیر می شد. می خواستم از او دوری کنم. مشکل زندان به اندازه کافی برایم بزرگ بود. هر آن امکان اعدام بالای سرمان بود. اما پرویز به نوعی تمام حواسم را به طرف خودش جلب کرده بود.

پرویز قبلا با هر سازمانی بود و هر کاری کرده بود، بعد از به دنیا آمدن پسرش و به بن بست رسیدن تحلیل های سازمانش، دست از کار سیاسی کشیده بود. اما این برای اعدام کنندگان کافی نبود.

پرویز را بدون محاکمه اعدام کردند. داغ عکس بجماش هنوز بعد

کسانی که به نسبت به اعدام حساس نیستند لازم است. چرا که این حکومت اسلامی که اکنون نان شب مردم را هم به گروگان گرفته است، بدون اعدام و ارباب یک روز هم نمی تواند دوام بیاورد.

(۱)

"پرویز عکس پسر بچه دو ساله اش را نگاه می کرد و به دیگران هم نشان می داد که ببینید چه بچه قشنگ، تپیل و دوست داشتنی است. و الحق که قشنگ و دوست داشتنی بود. هر بار که پرویز این عکس را به من نشان می داد دریای اشک ها در

مجید حمیدی را در ساعت ۹:۳۰ صبح به بیمارستان شهر سنندج انتقال میدهند. از آنجا که یکی از گلولهها به گردن مجید حمیدی اصابت کرده است و بنا به پیشنهاد پزشکان، وی را در ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر به بیمارستان "امیر اعلم" در شهر تهران انتقال میدهند. هم اکنون مجید حمیدی در بیمارستان "امیراعلم تهران" بستری است و حال وی کاملاً وخیم گزارش شده است. به گفته خود مجید حمیدی "این کوچکترین بهائی است که کارگران و فعالین کارگری در ایران تا رسیدن به خواستها و مطالبات خودشان باید پرداخت کنند."

لازم به ذکر است که در همین راستا، روز چهارشنبه مورخ ۲۵/۷/۱۳۸۶ يك نفر لباس شخصی به جلوی درب خانه آقای بهزاد سهرابی فعال کارگری، سخنگوی "کمیته دفاع از محمود صالحی" و عضو "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" رفته که بر حسب اتفاق بهزاد سهرابی در خانه نبوده است.

ما ضمن محکوم کردن این حرکت، خواهان شناسائی و محاکمه عاملین آن شده و از همه کارگران، فعالین کارگری و انسانهای عدالتخواه و برابری طلب در سراسر جهان میخواهیم که ضمن محکوم کردن این حرکت غیر انسانی، خواستار پایان یافتن ایجاد فشار، رعب و وحشت علیه کارگران و فعالین کارگری شوند.

کمیته دفاع از محمود صالحی
۲۶ مهر ماه ۱۳۸۶
www.kdmahmods.alehi.blogfa.com

داد. من که چند ماهی زودتر از او زندان بودم می دانستم که اعدام خواهد شد. نمی توانستم بگویم که اینقدر ساده نباش. با يك زبان بی زبانی خواستم بگم که آدم های زیادی این چند مدت اعدام شده اند. به فکر يك راه حل جدی باش.

۹ نفر در يك بند بودیم. مرا به زندان دیگری انتقال دادند. موقع خدا حافظی از هم پندی هایم، حسابی مثل يك بچه گریه کردم. علی تعجب کرده بود که چرا اینجوری گریه می کنم. نمی توانستم بهش بگویم که صفحه ۶

از ۲۵ سال هر روزه با من است. وقتی که اصغر این را برایم تعریف می کرد، متوجه اشک های گرد آمده در چشمانم بود. بدون اختیار گفتم: "رژیم کثیف و قاتلی است! قاتل است! قاتل و آدم کش!" دلم می خواست گریه کنم. می خواست عکس بچه پرویز را ببینم و تنفرم را نسبت به جمهوری قتل و جهالت اسلامی صدمه کنم.

(۲)

"علی مسئول چاپخانه سازمان (؟) بود و فکر می کرد که حداکثر دو سه سالی به وی زندان خواهند

اعدامها و آدمها

ناصر اصغری

۱۰ اکتبر ۲۰۰۷ روز اعتراض به اعدام آمد و رفت. اما اعتراضات به اعدام، به ارباب جمهوری اسلامی، به زندان بزرگی به نام ایران را پایانی نیست، مگر مجازات اعدام لغو گردد. جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب و اعتراض مردم سرنگون شود و نشانی از بربریت اسلامی نماند. یادآوری بربریت اسلامی برای

از میان نامه ها و سؤالات

سارا: آن روز وقتی نشریه ایسکرا به دستم رسید و عکس بهروز را که با آن شیوه فجیع و وحشتناک بقتل رسیده بود دیدم احساس می کردم در آن لحظه اصلاً در دنیا نیستم حس می کردم من جای بهروز هستم و دردهای بهروز را حس می کردم شکنجه تن نحیف و لطیف و کود کانه اش جلوی چشمانم بود فقط برای یک لحظه این جنایت و وحشتناک را نگاه کردم ولی از فکر بیرون نمی رفت همه اش فکر می کردم در آن لحظه بهروز کوچکولو چه حالی داشته... چقدر ترسیده...

هنوز این مسئله برایم سوال است که چطور می شود کودک بی گناهی را با این شیوه فجیع کشت؟ اصلاً این افراد روانی که دست به این جنایات کثیف می زنند را چطور می شود انسان نامید؟ چرا روز به روز به آمار جانیان و قاتلان اضافه می شود؟

موقع خواندن نشریه همه اش سعی می کردم عکس را بپوشانم و صورت پاک و معصوم این موجود بی گناه را نبینم. هر وقت این جنایات را می بینم آرزو می کنم ای کاش هیچ وقت به این دنیای مسخره نمی آمدم و این جنایات و فجایع راهم نمی دیم.

با دیدن این جنایات احساس می کنم در جنگلی هستم پر از حیوانات وحشی که قصد تکه پاره کردن هم را دارند. احساس امنیت هم از من سلب می شود حتی به مردم عادی با دید نفرت نگاه می کنم و از آنها متنفر می شوم. از زمین و زمان بدم میاد از همه آدمها، زنها و مردها بدم میاد...

امروز همه تصویرهایی از جنایاتی را که قبلاً دیده بودم برایم تداعی شدند کشتن و سنگسار فجیعانه دعا دختر "یزیدی"، کشتن وحشیانه مادر و فرزندان که توسط برادرش کشته شد، زنی که بالای دار اعدام دست و پا می زد و با زجر اعدام شد ویا پدري را که با آتش زدن خانه اش باعث سوختن چهار فرزندش شد ویا زنی که مورد حمله اطرفایش واقع شد و تمام بدنش را با چاقو تکه پاره کردند مردم بعنوان تماشاچی این تراژدی و وحشتناک فقط

نگاه می کردند و بعضی هاکشتن آن زن بدبخت را تحت نام ناموس پرستی تأیید می کردند. این نمونه ها فقط تعداد بسیار معدودی از انسانهایی هستند که توسط انسانهای دیگر تحت نامهای مسخره مثل ناموس پرستی و با توصل به ایدئولوژی و مذهب و... با وحشیانه ترین روشها به قتل رسیدند این تعداد را که تایحال دیده ام و هر دفعه با دیدن جنایاتی تازه جنایتهای گذشته هم برایم تداعی می شوند و زندگی را همانند مرگی تدریجی برایم سخت و دشوار می کنند. روزی نیست که از این جنایات نبینم و نخوانم و نشنوم!!!

اما چرا؟ به راستی چرا؟ چطور می شود جلوی این فجایع را گرفت؟ دهرجا و مکانی شکنجه و کشتن انسان توسط انسان بیداد می کند.

با خودم فکر می کنم کاش الان میشد که چشمانم را روی هم بگذارم و بعد از باز کردن چشمانم دنیایی که همیشه آرزویم بوده نمایان شود.

در آخر چند سؤال دارم آیا بعد از سرکار آمدن يك جامعه کمونیستی در ایران ویا شیوه برخورد انسانی با قاتلین و کسانی که کشتن انسان برایشان تفریح است و کاملاً به کشتار عادت کرده اند و همانطوریکه در ایران حکومت حاکم بیست و هشت سال است که فضا و محیط ارتکاب جرم و جنایت را فراهم می کند و بعضی ها واقعاً از نظر روانی مشکل دارند ویه نحوی که از اذیت و آزار دیگران لذت می برند به این ترتیب باید در هر گوشه و کنار خیابانها مراکز بازپروری و پرورش دوباره انسانها گذاشت؟

آیا شخصی که در گذشته قتلی مرتکب شده و بعد از محاکمه ویا برای مدتی دور ماندن از جامعه، دوباره به جامعه آمده است آیا مردم او را به عنوان يك انسان عادی و بدون توجه به گذشته اش قبول می کنند؟ و مردم در کنار آن شخص احساس رعب و وحشت نمیکنند؟ چرا در هر قتلی که اتفاق می افتد افراد فرصت طلب و سودجو به نحوی جای پای زن را در آن قتل جستجو

می کنند و آن رادر ارتباط با زن و روابط جنسی ارزیابی می کنند؟ و اگر موردی از این قتلها به زن مربوط باشد فرصتی به آنان داده می شود تا به اصطلاح از آب گل آلود ماهی بگیرند و در نتیجه باز هم افکار غلط و ارتجاعی خود را به دیگران تزریق کنند؟

بیشتر افراد وقتی رابطه جنسی خارج از ازدواج زنان را امر خصوصی آنها بیان می کنید، فکر می کنند این یعنی گسترش بی اخلاقی. رابطه این موضوع با اخلاق چیست؟ آیا درست است بگویم که اخلاق وقتی معنا می دهد که چه زن و چه مرد در روابط با هم آزاد باشند؟ نظرتان در مورد آندسته از مردم که اعتقاد دارند اگر زن به اصطلاح آنها بی ناموسی کرد حتماً سزاوار کشتن است چیست؟ حتی این اعتقاد بسیاری از خود زنان است زنانی که به بسیاری از ستمهایی که در موردشان اجرا میشود و آنها را در حق به خود می دانند و به آن تمکین کرده اند چطور می شود آنها را آگاه کرد؟

گلریزان: سارا عزیز احساس پاک، لطیف و انسانی شما را درک می کنم. این نمونه احساس و نگرانی میلیونها انسانی است که در جامعه ایران هر روز شاهد چنین فجایعی هستند. دین عکسها و بسیاری از جنایات رژیم خدا و اسلام، بشدت هولناک و شوک برانگیز است.

هنگامی که در روز ۱۰ اکتبر نمایشگاه عکس اعدامهای اخیر توسط رژیم اسلامی را در مرکز شهر برپا کرده بودیم، مراجعینی که با امضای تومار به محل چادر مراجعه میکردند، همین احساسی را بیان می کردند که تو به آن اشاره کردی. دیدن این تصاویر بسیار دردناک است. اما باید افکار عمومی و بین المللی را متوجه این وضعیت ساخت.

چند سؤال مطرح کرده بودی. در ایسکرا شماره قبل و در پاسخ به یکی از خوانندگان نشریه در مورد این مسئله توضیح داده ام اما در اینجا چند نکته ای را در پاسخ به سؤال شما اضافه می کنم. شما بدرستی به این مسئله اشاره کرده اید که رژیم حاکم بر ایران ۲۸ سال است که فضا و محیط زندگی مردم را به جرم و جنایت آلوده کرده

است. بانی این وضعیت همین رژیم جمهوری اسلامی است که انسانها را بسوی چنین اعمالی سوق می دهد. بایستی درد را از ریشه علاج کرد. با سرنگون ساختن رژیم کشتار و جنایت و برقراری جامعه ای آزاد و برابر و سوسیالیستی، می توان امنیت شهروندان را تضمین کرد.

چه آنهایی که پایه پای این رژیم و برای حفاظت از آن و چه آنهایی که دچار امراض روانی در کشتن انسانها دست به این فجایع زده اند بایستی محاکمه شوند. در شماره قبل ایسکرا اشاره کردم که باید علت انجام این اعمال را روشن کرد و بر اساس علل موضوع، به درمان آن پرداخت. اگر اشخاصی بخاطر مشکلات روانی دست به این کار زده اند باید در مراکز روان درمانی مورد معالجه قرار بگیرند. بازگشت آنان به جامعه، در صلاح دید متخصصین و روانشناسان و روانپزشکها است. شاید هم مواردی پیش بیاید که شخص بیمار همچنان از جامعه دور نگاه داشته شود.

اگر نخواهیم چنین اعمال ضد انسانی را صرفاً به بیماری روانی خلاصه کنیم باید به این هم معطوف شد که بیشتر قتل و کشتن ها از سر شرایط فلاکتبار اقتصادی، یاس و نا امیدی، ایجاد آنچنان موقعیتی که حتی کسانی هستند که به جای دیگران خود را از میان می برند. آیا شما پدیده خودکشی را چه نام می گذارید؟ بلاخره يك نفر کشته میشود یا بدست خود یا بدست شخص دیگری. تمام خودکشی ها از سر فقر، ندراری، فشارهای جسمی و روحی، است. می خواهم بگویم که امراض روانی انسانها نیز مستقیماً به شرایط و موقعیتی مرتبط است. که بر زندگی آنان حاکم کرده اند. هیچ انسانی، روانی و جنایتکار متولد نمی شود.

دائر نمودن مراکز روان درمانی یکی از وظایف حاکمیت سوسیالیستی است و باید جامعه ای سالم را پایه ریزی کند باید به مقابله با هر گونه تخلف و جرمی از طریق حذف فیزیکی یا تنبیه بدنی برای همیشه خاتمه داده شود.

پرسیده اید: چرا در هر قتلی که اتفاق می افتد افراد فرصت طلب و سودجو به نحوی جای پای زن را در آن قتل جستجو می کنند؟ در جوامع سرمایه داری و در مناسبات

ماقبل سرمایه داری که همیشه با کمک و همیاری مذهب و سنتهای عقب مانده همراه بوده است، زن را بعنوان کالا و از جنس درجه دوم به حساب آورده و همچنان با این نگرش بر زن در جوامع امروز و بویژه در شرق آترا باد می زنند و از طرفی فرهنگ و سنتهای مرد سالار در این جوامع که از طرف سیستم حاکم باز تولید می شود، به زن، به این شیوه برخورد می کند. اگر در قتلی تلاش میشود که پای زنی را به میدان بکشاند، دقیقاً به این خاطر است که قوانین موجود و فرهنگ مرد سالار در مناسبات سرمایه داری، در ضدیت با زن و دادن تصویری کالا گونه به زن، این شرایط را فراهم می سازد که مثلاً اگر قاتل مرد بوده باشد آترا می توانند به راحتی به زن نسبت دهند. در آیه های قرآن زن را بعنوان شیطانی معرفی میکنند که می تواند مسبب هر اتفاقی باشد. قوانین اسلامی برگرفته از قرآن به این مسئله دامن میزند و شرایطی را فراهم می کند که حتی در صورت بی گناه بودن زنی در يك ماجرا، او را بعنوان مسبب عامل يك قتل معرفی کند. اینها جز فرامین ضد بشری قرآن در سوره النساء است به شما توصیه می کنم که ترجمه فارسی آترا بخوانید تا متوجه شوید که چه کثافتی از آن بر علیه زن ردیف شده است.

قبل از اینکه به بخش دیگر سؤال شما بپردازم باید تعریف کوتاهی از "ناموس" را اندکی توضیح داد.

ناموس در فرهنگ لغت به (شرف، عفت و عصمت) معنی شده است. قاعدتاً در فرهنگ جوامع شرق و اسلام زده، زن را جزئی از شرف، عفت و عصمت مرد می شمارند. فعلاً بدون آنکه وارد هیچ بحث دیگری در این رابطه بشویم می بینیم که زن نه بعنوان يك انسان و به اعتبار خود، بلکه این سیستم فکری که منافع مادی (اقتصادی، فرهنگی) معینی را نمایندگی می کند، زن را شرف یا عفت مرد معرفی می کند و از همین تعاریف و نگرش بخوبی پیدا است که زن نه تنها به عنوان کالا و از جنس درجه دوم بلکه شرف، و عفت مرد هم هست و این در يك کلام یعنی برده ای در اختیار مرد، یعنی مایملک

ادامه از میان نامه ها و سؤالات

از صفحه ۵

روحي و رواني مرد. آنهاست و هيچكس و هيچ مقامی اگر بخواهيم كوچكترين تره ای برای این فرهنگ و ادبیات پوسیده و ضد انسانی خورد نکنیم، دستگیرمان می شود که ناموس یعنی چی یا عفت و شرف به چه چیزی گفته می شود. از نظر ما برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی بلوغ رسیده اند و تماینی افراد چه زن و چه مرد در تصمیم گیری در مورد روابط جنسی خود با سایر افراد بزرگسال کاملاً آزادند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم امر خصوصی

اینگونه مراکز میسر نمیشد، مگر با اخراج کارگران موقت و باز خرید بخشی از کارگران دائمی با ترفندهای مختلف و به این ترتیب رساندن تعداد کارگران به حداقل ممکن و شکستن مقاومت آنان. ما کارگران در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به قدرت مقاومت، قاطعیت و همبستگی شما هم طبقه ای هایمان در نیشکر هفت تپه درود می فرستیم، دستتان را به گرمی می فشاریم و پیشروی تا کنونی تان را صمیمانه به شما تبریک میگوئیم و یقین داریم شما با اتکا به قدرت متحدانه خود و حمایت کارگران ایران و سراسر جهان خواهید توانست به تمامی خواسته های خود دست پیدا کنید.

زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۲۸/۷/۱۳۸۶

www.ettehade.com

k.ekhraj@gmail.com

۱۰ اکتبر گوشه کوچکی از پتانسیلی است که جامعه برای دست رد زدن بر هر گونه اعدام و ارعابی از خود نشان داد. در جواب به ارعاب و اعدام و سرکوب رژیم، هر روز باید يك ۱۰ اکتبري بشود.

۱۲ اکتبر ۲۰۰۷

امروز جامعه را به يك قهقراي كامل فرو برده اند. قهقرا از لحاظ فقر و نداری، چتر فقر را بر این جامعه گسترانده اند و می خواهند کسی هم از نداری مرتکب هیچ "جنایتی" نشود. این اعدامها هم همان اندازه اعدامهای دهه شصت سیاسی است. باید سیاسی ببینیم و سیاسی جواب آن را بدهیم.

این چنین جانسان را از دست دادند.

آن زمان دهها هزار نفر را به جرم سیاست اعدام کردند. امروز هم بساط قتل و جنایت به بهانه "ارتکاب به جرائم جنائی" راه انداخته اند که جامعه را مرعوب کنند. آن دوره جامعه را برای يك دوره بسیاری کوتاهی ساکت کردند.

پیام اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به کارگران نیشکر هفت تپه

داشتند.

۳) عدم تمدید قرار داد کارگران موقت از طریق عمده کردن مسئله بحران و ورشکستگی کارخانه در میان کارگران دائم و موقت و جا انداختن ترس از تعطیلی کارخانه در میان آنان، با هدف به سکوت کشاندن کارگران دائم در برخورد به عدم تمدید قرار داد کارگران موقت و به این ترتیب دستیابی به هدف تضعیف مقاومت کارگران در دور بعدی تهاجم از سوی کارفرما.

۴) عمده کردن مسئله بحران در اینگونه مراکز و طرح آن در میان کارگران از سوی کارفرما با هدف ایجاد نومیدی در میان کارگران به لحاظ سر پا ماندن کارخانه و به این ترتیب تلاش برای قانع کردن بخشی از کارگران برای باز خرید و یا بازنشستگی پیش از موعد.

کارفرمایان در صناعی همچون نساجی موفق شدند با ترفندهای فوق در هر مرحله بتدریج از تعداد کارگران بکاهند و به این ترتیب قدرت مقاومت آنان را در برابر خود به حداقل ممکن برسانند. به عنوان يك نمونه از میان صدها نمونه موجود، کارفرمای فرش البرز با شگردهای فوق تعداد کارگران این کارخانه را از ۶۰۰ نفر به ۱۷۰ نفر رساند و پس از رساندن کارگران به ۱۷۰ نفر شرکت را منحل اعلام کرد. هر چند که مقاومت کارگران باقی مانده در شرکت فرش البرز و یا شرکتهای مشابه همچنان ادامه دارد اما ۶۰۰ کارگر کجا و ۱۷۰ کارگر کجا؟؟

دوستان گرامی

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ضمن حمایت قاطعانه از مبارزات بر حق شما، عدم تمدید قرار داد کارگران موقت و دستگیری و احضار فریدون نیکوفر

اند. تردید نداشته باشید که در پس بحران دو ساله در نیشکر هفت تپه و عدم پرداخت باموقع دستمزدها، همان طرحهایی نهفته است که در کارخانجات نساجی اعمال کردند. یعنی: ۱- به تعطیلی کشاندن کامل کارخانه طی روندی چند ساله (پایین تر در باره ترفندهای کارفرمایان در این رابطه توضیح خواهیم داد) ۲- تصاحب کامل باقی مانده ثروتی که توسط کارگران در طول دهها سال تولید شده است ۳- سرمایه گذاری این ثروت در بخشهای دیگری با سودهی بیشتر و یا در بهترین حالت، ایجاد صناعی در همان رشته تولیدی با تکنولوژی روز یا کارگرانی کمتر و تماما از طریق قراردادهای موقت. کارفرمایان در صنایع نساجی در راستای رسیدن به اهداف فوق از ترفندهای زیر استفاده کردند:

۱) عدم پرداخت باموقع دستمزد کارگران بصورت مداوم و تحمیل يك مبارزه فرسایشی بر آنان و خسته کردن کارگران تا جایی که آنان بتدریج به عدم تمدید قرار داد، باز خرید و بازنشستگی پیش از موعد تن در دادند. امری که مدت دو سال است در نیشکر هفت تپه اعمال میشود. وارد کردن کلان شکر و پایین آمدن سود نیشکر هفت تپه و به این بهانه عدم پرداخت باموقع دستمزد کارگران امری نیست که بدون اجازه دولت و مراجع اصلی تصمیم گیری اعمال شده باشد.

۲) دستگیری، تهدید، اخراج و یا منفعل کردن آندسته از کارگرانی که به عنوان نماینده و... در جلوی صف اعتراضات کارگران نسبت به عدم پرداخت باموقع دستمزدها قرار

با درود فراوان دوستان و همکاران گرامی کارفرمای نیشکر هفت تپه بدلیل قاطعیت و اتحاد شما برای رسیدن به خواسته هایتان مجبور به عقب نشینی شد. این عقب نشینی از سوی کارفرما همانگونه که خود نیز به خوبی می دانید اختیاری نبود، بلکه این فشار مبارزه شما بود که کارفرما را در این مرحله وادار به عقب نشینی کرد. این عقب نشینی پایان تهاجم کارفرما به شما نبوده و نخواهد بود. کارفرما از طرفی، دو ماه از دستمزد معوقه شما و بخشی از مزایایی را که طلبکار بوده اید پرداخت کرد، اما همزمان از سویی اقدام به جابجایی مدیریت نموده و از سوی دیگر از تمدید قرار داد کارگران موقت پرهیز کرده است. (چه بسا که جابجایی مدیریت با هدف مقابله بهتر و کارا تر کارفرما با شما صورت گرفته باشد)

شرکت نیشکر هفت تپه (همانگونه که خود اطلاع رسانی کرده اید) مدت دو سال است دچار بحران شده و در این مدت کارفرما تلاش نموده است تا با عدم پرداخت باموقع دستمزدها، نپرداختن مزایا، عدم طبقه بندی مشاغل و... بار این بحران را بر دوش شما بیاندازد، تا قادر شود در پروسه طرحی که در پس این بحران بدنبال آنست، نه تنها هیچ ضرر و زبانی را متوجه خود نسازد بلکه بیشترین سود و چپاول را نصیب خود گرداند.

دوستان، این اتفاقی تازه در مراکز تولیدی کشور نیست، سالهاست که این اتفاق در صنایع نساجی رخ داده است و دهها هزار کارگر این صنایع آواره خیابانها شده

اعدامها و آدمها

از صفحه ۴

امکان اینکه همدیگر را بیکار دیگر ببینیم صفر است. یا من اعدامم، یا او، یا هر دو مان.

علی را بعد از دو سه ماهی اعدام کردند. گویا بعد از شنیدن حکم اعدامش، باورش نمی شد. گفته

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!